

جلسه اول: ۸۵/۷/۱۰

منابع حقوق تجارت:

۱- قوانین تجاری: ۱. اصلی: قانون تجارت ۲. فرعی: هر چیزی غیر از قانون تجارت که با قوانین

تجاری در ارتباط هستند (آیین نامه ی ثبت شرکتی - قانون ثبت اختراعات)

۲- قوانین مدنی: آراء دیوان عالی کشور است (وقتی دو دادگاه در بحث امور تجاری ، قانونی

را صادر کنند . رفعش با آراء دیوان عالی کشور است)

۳- رسوم و عادات و عرف تجاری که قانون تجارت آن را رفع نمی کند

۴- رسوم و عادات متداول بین بازرگانان که قوت قانونی دارند یعنی در صورت فقدان قانون

مورد حمایت می باشند.

۵- پیمان های بین المللی مثل عهدنامه هایی که دولت ایران به آنها پیوسته است.

تجارت در اسلام:

۱- آیات (تجاره عن تراض): تجارت از روی رضایت

۲- روایات

۳- احکام اسلامی (فرق بیع و ربا) تجارت در ربا طوری صورت می گیرد که فشار اقتصادی به

یک طرف وارد می شود و ربا به دو جنسی که با کیل و وزن معامله می شوند تبادل گردد و

یکی از دیگری بیشتر باشد گویند اما بیع خرید و فروش از روی رضایت می باشد.

۴- آداب تجارت در اسلام مثلاً به احکام تجارت آگاه باشد یا از مومنین سود نگیرد و ...

۵- مکاسب محرمه : چیزی که خرید و فروش آن حرام باشد.

حقوق: جمع حق است و حق یعنی امتیازات و توانایی های قانونی فرد در اجتماع را حقوق می

گویند مثل حق مالکیت ، حق دفاع، حق آزادی

جایگاه حقوق تجارت:

۱- حقوق خارجی یا بین المللی : مجموعه قواعدی که مورد پذیرش کشورهای جهان قرار می

گیرد

۲- حقوق داخلی: که محدود به سرزمین و منطقه جغرافیایی کشور موردنظر است که فقط در

همان منطقه برای همان منطقه جغرافیایی ارزش و اعتبار دارد.

حقوق داخلی: عمومی - خصوصی

عمومی: قواعدی است که ارتباط بین دولت و مردم است

خصوصی : قواعدی که مربوط به روابط بین افراد با یکدیگر است.

و جایگاه حقوق تجارت از نوع داخلی خصوصی است.

تعریف حقوق تجارت:

دانستن حقوق و تکالیف بازرگانی و علم به اصول و قواعد و قوانینی که روابط معاملاتی

بازرگانان و اعمال تجاری را تنظیم می کند.

مبدأ حقوق تجارت:

۱. کلی (بین المللی)

۲. داخلی (ایران): قبل مشروطه : بیشتر جنبه فقهی دارد. بعد از مشروطه: در سال ۱۳۰۴-

۱۳۰۳ قانونی نوشتند - دوباره در سال ۱۳۱۱ قانون تجارت جدید نوشته شد و قانون قبلی

در آن مواردی که با قانون جدید تفاوت دارد نسخ شد.

نکته: فرق طرح و لایحه

اگر پیشنهاد دهنده یک قانون خود نمایندگان باشد طرح و اگر دولت باشد لایحه می باشد.

جلسه دوم ۷۸۵/۱۱

واژه تعریف تاجر: کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار می دهد.

ماده ۲ معاملات تجاری: ۱- ذاتا تجاری ۲- غیر ذاتی یعنی به اعتبار تاجر بودن طرفین یا یکی از

آنها تجاری هستند و این در ماده ۳ بحث خواهد شد.

سوال : چه معاملاتی ذاتا تجاری هستند؟

الف - خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در

آن شده باشد یا نشده باشد.

خرید: پرداخت پول در برابر کالا تحصیل : بدست آوردن کالا از هر طریق مثلا هدیه گرفتن،

ارث گرفتن

مال: ۱- منقول ۲- غیرمنقول

منقول: مالی است که قابلیت نقل و انتقال از یک مکان به مکان دیگر را دارد بدون آنکه لطمه

ای به آن وارد شود (تعریف مدنی)

غیرمنقول: نقل و انتقالش ممکن نیست مثل زمین، خانه و اگر بخواهیم انتقالشان بدهیم خراب

می شود مثل خانه و کسی که خانه یا زمین را بخرد به آن تاجر نمی گویند چون معاملات

غیرمنقول، تجاری نیست.

تصرفاتی در آن شده باشد یا نشده باشد: اگر در آن شده باشد مثل پارچه را می خرید و لباس

می کنند و می فروشند و اگر تصرفی نشده باشد جنس را همان طور که خریده می فروشند.

سوال: آیا کسبه جزء هم تاجر هستند یا نه؟ ۲ پاسخ داده شده: هستن، نیستن ولی به هر حال از

داشتن دفاتر معافند.

دلیل کسانی که می گویند هستن چون بند الف شاملشان می شود اما تعریف وزارت دادگستری

درباره کسب -----

کسبه جزء چیست؟ کسانی هستند که مطابق عرف تجارت اطلاق تاجر به آنها نمی شود و اگر

داخل یکی از طبقات زیر باشند کسبه جز و از داشتن دفتر معاف هستند: ۱- کسانی که فروش

سالیانه آنها از ۱۲۰ هزار ریال (۱۲ هزار تومان) تجاوز

۲- شوfer، گاری چی و به طور کلی (حمل و نقل) از هر قبیل ۳- متصدیان حمل و نقل اگر

دست رنج آنها متجاوز از هزار ریال نباشد و داخل طبقه دوم هم نباشند مثل راننده کامیون

(راننده ی کامیون را کارگر می گویند نه تاجر چون از قدرت و بازوی خودش استفاده کرده و

جزء کسانی است که مطابق عرف تجارت اطلاق تاجر به آنها نمی شود)

ب - تصدی بر حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا بر هر نحوی که باشد مثل آژانس نه

کارگرهای آژانس تصدی از استمرار و دوام می آید و کسی که کارش و شغلش این است و

کسی که اتفاقی حمل و نقل می کند به آن تاجر نمی گویند.

ج- هر قسم عملیات دلالی یا حق العملکاری (کمسیون) و یا عاملی (کارگری) و همچنین

تصدی به هرنوع تأسیساتی که برای انجام بعضی از امور انجام می شود از قبیل تسهیل معاملات

ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رساندن ملزومات و غیره

دلالت کسی که فقط واسطه خرید و فروش است و خودش نه خریدار است و نه فروشنده حال

چه مال منقول را دلالی کند و چه مال غیر منقول مثل بنگاه معاملاتی منزل اتومبیل پس اگر خانه

هم معامله شود عمل آن تجاری است و

حق العملکاری : خرید یا فروش برای دیگران است و یک طرف معامله را خودش انجام می

دهد به عبارتی به اسم خود و به حساب دیگری معامله می کند. (عمل کار خودش را به عنوان

فروشنده معرفی می کند)

عامل فردی به نمایندگی از بازرگان امور او را از قبیل ترخیص کالا از گمرک به عهده می گیرد.

تأسیساتی که برای انجام بعضی از امور انجام می شود بستگی به نیاز جامعه دارد مثل رشد

جمعیت دانشجویان بیکار مثل موسسات کاریابی افرادی که کارشان این است.

نکته: دوره گردهایی که از عملشان ارتزاق می کنند تاجر نیستند.

د- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد

(کارخانه دستی یا ماشینی باشد فرق نمی کند این که مواد اولیه از خودش است یا دیگری)

ه - تصدی به عملیات حراجی (فروش به بالاترین قیمت) مزایده

و- تصدی به هر قسم نمایشگاههای عمومی: هنری (سینما) - صنعتی (اتومبیل)

ز- هر قسم عملیات صرافی و بانکی

صراف کسی است که شغلش تبدیل وجوه و نقود رایج و متفاوت و یا اوراق بهادار به یکدیگر

مثلا خرید و فروش ارز و تبدیل آن به یورو و یا تبدیل یورو به دلار و غیره

بانک موسسه ای که عملیات صرافی به نحو کامل و وسیع در آن اجرا می شود ضمن اینکه امور

دیگری را نیز از قبیل پرداخت وام و غیره برعهده دارد.

ح - معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد (ماده ۲۲۳ قانون تجارت)

برات: حواله ایست که خطاب بر شخص معینی صادر می شود (براتگیر) تا مبلغ معینی را در

زمان و مکان معینی در وجه ثابت (دارنده برات) یا به حواله کرد او پردازد (برات یکی از

اسناد تجاری است و معمولا براتگیر از براتگیر طلب کار است و به دارنده ی برات بدهکار

است.)

ط- عملیات بیمه عربی و غیر عربی (در عملیات بیمه عنصر سودجویی وجود دارد)

عملیات بیمه عربی در صورت غرق شدن و یا آبگرفتگی و غیرعربی در صورت آتش سوزی

بیمه: شخص یا موسسه ی در قبال وجهی که می گیرد جبران خسارات اعمال معینی را تا حد

معینی برعهده می گیرد و اینکار به قصد انتفاع می باشد لذا اگر فردی از روی ترحم ، مبلغی را

از دیگری بگیرد تا خسارات او را جبران کند این عمل بیمه نیست لذا تجاری هم نیست) و

قرارداد بیمه بین بیمه گیر بیمه گزار

ی - گشتی سازی، خرید و فروش گشتی، کشتیرانی داخلی (در محدودی آب های داخلی)

یا خارجی (در محدودی آبهای بین المللی)

و معاملات راجع به آن ها مثل رهن یا وثیقه که در واقع تضمینی در برابر دین (رهن کشتی)

معاملات بورس

تحلیل ۱۰ مورد کار اصلی یک حقوق دان این است که بتواند اقتضانات زمان خودش را با

توجه به مفاهیم قدیمی تر نزدیک کند.

معاملات بورس: تجاری (کاملاً معامله می شود) - اوراق بهادار(سهم شرکت ها)

معاملات بورس قطعاً تجاری هستند و به صورت عمده و مدت دار صورت می گیرد و کالا

تحویل داده نمی شود و خریدار امید دارد که قیمت کالا بالا رود.

جلسه سوم

فرق ماده ۲ و ۳ را بنویسید؟ در این است که اگر کسی معاملات مزبور در ماده ۲ را انجام دهد و

شغل خود را آن معاملات قرار دهد تاجر می باشد و عمل آن یک معامله تجاری می باشد اما

ماده ۳ بر اعتبار تاجر بود متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می شود.

ماده ۳: معاملات ذیل بر اعتبار تاجر بودن متعاملین (خریدار و فروشنده) یا یکی از آنها تجاری

محسوب می شود البته با ۲ شرط که عبارتند از: ۱- برای رفع حوائج شخصی نباشد ۲- مربوط

به اموال غیرمنقول نباشد

۱- کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک ها مثلا ممکن است تاجر پارچه با تاجر

چوب قراردادی ببندد که برایش ویتترین بسازد این معامله که برای رفع حوائج شخصی

نیست و مربوط به اموال غیرمنقول هم نیست اما اگر همین ویتترین برای منزل باشد تجاری

نیست.

۲- کلیه معاملاتی که تاجر با غیرتاجر برای حوائج تجاری خود انجام می دهد مثلا تاجر پارچه

با یک نجار معمولی قرارداد می بندد و این معامله ، معامله تجاری است.

۳- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری (نه امور شخصی) ارباب

خود انجام می دهند.

۴- کلیه معاملات (منقول) شرکتهای تجاری (۱- سهامی خاص و عام ۲- با مسئولیت محدود

۳- تضامنی)

معاملات می توانند معاملات مال منقول و غیر منقول باشد ولی با توجه تصریح در ماده ۴ همان

مال منقول است و شرکتهای تجاری عبارتند از: ۱- سهامی ۲- با مسئولیت محدود ۳- تضامنی

است و فقط بین شرکتهای تجاری

شرکتهای سهامی بخاطر توسعه ای که داند می توانند معاملات غیرمنقول انجام دهند و استثنا

اند تجاری است

ماده ۴ معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شود حتی اگر برای حوائج تجاری

باشد.

(این اهمیت خاصی است که قانون گذار برای ملک و املاک قائل می شود یعنی خواسته است

معاملات غیرمنقول تحت قانون ثبت اسناد و املاک باشد نه قانون تجارت ضمن اینکه قانون

تجارت دنبال سرعت است و ثبت و استعلام در مورد معاملات غیرمنقول با این اصل (سرعت)

سازگار نیست.

ماده ۵ کلیه معاملات تحار، تجاری محسوب است مگر ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری

نیست (این ماده برای جلوگیری از اختلافات و شانه خالی کردنهای تجار می باشد که اثبات

عدم تجاری را برعهده آنها گذاشته است)

نکته ۶: لازم نیست تجارت شغل اصلی فرد باشد اما تکرار نیاز دارد (دوام می خواهد) لذا اگر

فردی کارمند است اما بعداز ظهرها امور تجاری انجام می دهد، تاجر است.

نکته ۲: مقررات قانون مدنی در مورد تاجر لازم الرعایه است مانند عدم جنون یا حجر و منعی

نباشد لذا اگر مجنون، شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهند تاجر نیستند جنون:

دائمی (کلا مرخص) موقتی (ادواری)

حجر: مثل ورشکسته یا صغیر و

الزومات تاجر

محسنات تجاری (دفاتر تجاری به چه دلیل لازم است):

۱- راحتی کار تاجر تا بتواند طلب کاریها و بدهکاریها و سایر موارد را تشخیص دهد

۲- حمایت از سایر تجار در صورت ورشکستگی تاجر که از طریق رجوع به این دفاتر است

۳- احتساب مالیات با رجوع به دفاتر

ماده ۶:

هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه

(دادگستری) به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد ۱- دفتر روزنامه

۲- دفتر وکیل ۳- دفتر دارایی ۴- دفتر ک

ماده ۷ (دفتر روزنامه): دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون (طلب کاری و

بدهکاری) و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و

ظهر نویسی (پشت نویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به اسم و

رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت

نماید (دفتر روزنامه دو ستون دارد بدهکاری و بستانکاری که در هر روز باید پر شود)

ماده ۸ (دفتر کل): دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته یک مرتبه از دفتر

روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن مثلاً (طلبکاریها را جدا کرده در یک جا بنویسد همینطور

بدهکاریها و اسناد و غیره را) تشخیص و جدا کرده و هر نوع را در صفحه خصوصی در آن

دفتر بطور خلاصه ثبت کند.

ماده ۹ (دفتر دارایی): دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و

غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء

نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد (علت امضاء کردن به این دلیل

است که مطالبات این دفتر سندیت دارد و از دفاتر گوناگون استخراج می شود لذا باید به تایید

تاجر برسد)

ماده ۱۰ (دفتر ک): دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت

حساب های صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت کند (در این فقط یادداشت می شود)

تبصره ماده ۱۰: تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب

تاریخ ورود مرتب نموده و در مخصوصی ضبط کند (در این لفاف عین مراسلات و مخابرات

به ترتیب تاریخ قرار داده می شود)

نکته: غیر از این موارد (دفاتر) بقیه دفاتر اختیاریست و تاجر در داشتن و نداشتن آنها است مانند دفتر صندوق که ورودی و خروجی صندوق در آن ثبت می شود و غیره.

جلسه چهارم ۸۵/۷/۲۴

ماده ۱۱ دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپی قبل از آنکه (به صفحه ۲۰ قانون تجارت مراجعه شود)

توضیحات: در تهران به دفتر ثبت شرکتها مراجعه می نمایند و در سایر شهرها باید به اداره ثبت مراجعه نمایند که این ماده برای سایر شهرها می باشد.

نمره ترتیبی: سعی صفحات دارای شماره و به ترتیب نوشته می شوند.

برای امضاء حق امضاء می گیرند هر ۱۰۰ برگ ۲ ریال می گیرند و مثلا ۲۳۵ برگ باشد ۶ ریال دریافت می کند از ۲۰۱ تا ۳۰۰ هرچه مابین باشد ۱۰۰ حساب می شود (ماده ۱۳۵ در مورد حق الضمه می باشد)

ماده ۱۲ دفتری که برای امضاء به متصدی (امور دفتر را برعهده می گیرد یا مسئول امضاء)

امضاء تسلیم می شود مراجعه که

قیطان: در حقیقت منگولوه ی که به سندها وصل می شود و به عبارت دیگر یک نخ داخل سندها است که قیطان را از داخل سوراخ ها رد می کند

یک قاعده موجود است: و آن اینکه هر جا تعارضی بین عدد و حروف پیش بیاید اعتبار با حروف است چون احتمال اشتباه در حروف کمتر از عدد است.

ماده ۱۳: تخلفات مذکور ماده ۱۳ برای تاجر که نباید آن را انجام دهد عبارتند از کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر به متن صفحه ۲۰ قانون تجارت مراجعه نمایید اما اشاره ای، تمام معاملات با تاریخ ثبت می شوند و تخلفات در کتاب آمده و این دفاتر تا ۱۰ سال نگه داری می شوند.

ماده ۱۴ شرایط سندیت دفاتر تجاری که در ماده ۱۴ ذکر شده است

۱- مطابق مقررات قانون تجارت و مخروش نباشد

۲- دعوا و اختلاف بین دو تاجر باشد لذا به موجب ماده ۱۲۹۸ ق. م دفاتر تاجر برعلیه غیر تاجر سندیت ندارد فقط جزء امارات قضایی و بسته به نظر قاضی می باشد.

۳- دعوا و اختلاف ناشی از معاملات تجاری باشد به عبارتی اختلاف دو تاجر در امور تجاری باشد نه سایر موارد

امارات: نشانه ها، امارات قضایی دست قاضی را در رسیدن به حکم اصلی باز می گذارد.

این ۳ مورد اگر رعایت شود بعد می توان به آن استناد کرد در غیراینصورت فقط برعلیه صاحب آن معتبر است قانون ۳۰۰

ابزار دفاتر در دادگاه:

اگر یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند این دفاتر طبق قانون آئین دادرسی مدنی در دادگاه ابراز خواهد شد و اگر طرف مقابل از ابراز آن امتناع ورزد این مورد از ادله مثبت به نفع طرف دیگر محسوب می گردد.

یکی از قوانین کشور ما قانون آئین دادرسی مدنی است که در آن قواعد شکلی دادرسی و طرح شکایت، آمده است.

ماده ۱۵ (هر قانونی باید ضمانت اجرا داشته باشد) که این ماده ضمانت اجرای عدم رعایت مواد ۶ و ۱۱ است

برای شناسایی تاجرها در کشور می باشد که این افراد باید اسمشان را در دفتر ثبت تجاری بنویسند.

نکته ۱: کسانی که به شغل تجارت اشتغال دارند باید نام خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند اینکار برای صدور کارت بازرگانی ضرورت دارد همین طور برای اشخاص ثابت تا بدانند تاجر چه سرمایه ای دارد و علامت تجاری (مثلاگپ مپ) او چیست؟ توجه ماده ۱۵ را در متن صفحه ۲۱ قانون تجارت مطالعه فرمایید.

نکته ۲: نحوه ی ثبت : تاجر با مراجعه به اداره ثبت (شهرستان ها) و به اداره ثبت شرکت ها (در تهران) سرنسخه اظهار نامه دریافت و آن را پر می کند مسئول دفتر نیز مفاد آن را ظرف ۱۰ روز در دفتر ثبت می کند و یک نسخه آن را به خود تاجر می دهد و ۲ نسخه دیگر نیز یک نسخه به وزارت بازرگانی و دیگری در دفتر ثبت تجاری باقی می ماند.

نکته ۳: مواردی که باید در این اوراق ذکر شود عبارتند از مشخصات کلی شامل نام، نام

خانوادگی، شماره شناسنامه، محل صدور و تابعیت (تعلق فرد به یک سرزمین خاص با دو

ملاک خون یا سرزمین) تاجر همچنین تاریخ اشتغال به تجارت، نوع تجارت (واردات،

صادرات)، جنس کالا یا کالاهای موضوع تجارت و رشته تجارت (داخلی یا خارجی) ذکر می

گردد همچنین اگر تاجر خارجی است تاریخ ورود و شماره و محل صدور پروانه اقامت نیز قید

می گردد.

نام تجارتی: که مصرف کننده وقتی می خواهد کالا را انتخاب بکند بداند که مال کدام شرکت

است.

علامت تجاری: هر شکل و نشان، عدد و غیره که انحصاری است و دیگران نتوانند استفاده کنند.

نام تجارتی: نام یا عنوانی است که تاجر تحت آن تجارت می کند و برای صاحب آن حق

استفاده می آورد و دیگری نمی تواند آن را انتخاب کند البته ثبت نام تجاری اختیاریست مگر

مواردی که وزارت دادگستری آن را اجباری اعلام نماید (ماده ۵۷۶ به بعد تا ۵۸۲)

علامت تجاری: هر قسم علامت از قبیل نقش، تصویر، رقم، حرف، عبارت و غیره است

برای تشخیص محصول تجاری یا فلاحتی خاصی انتخاب می شود و مخصوص خود فرد است

لذا این علامت باید طوری باشد که بتوان انحصار را از آن فهمید مثل علامت خرگوش بر روی

محصولات بینالود

علائم ممنوع:

- ۱- پرچم ایران یا هر پرچمی که دولت آن را ممنوع کند
- ۲- علامت هلال احمر و نشان ها و مدال های ایرانی
- ۳- کلماتی که مرهوم است و انتساب به مقامات رسمی است
- ۴- علامات موسسات رسمی مثل آرم جمهوری اسلامی ایران با صلیب سرخ
- ۵- علائم مخل به نظم عمومی یا منافی عفت

جلسه پنجم ۸۵/۸/۱

نکته: علامت تجاری در صورتی انحصار می آورد که ثبت شود و ثبت آن از طریق اظهار نامه است و اداره ثبت باید با احراز ۳ شرط ظرف ۱۵ روز قبول یا رد علامت تجاری را اعلام نماید و الا قبول شده محسوب می شود. سه شرط عبارتند از : ۱- از موارد ممنوع نباشد ۲- مربوط به دیگری نباشد ۳- شبیه به علامت ثبت شده قبلی نباشد بطوری که مصرف کنندگان عادی به اشتباهه بیفتند و الا ذی النفع (کسی که از این علامت استفاده کرده) می تواند تا ۳ سال اعتراض نماید.

نکته: انتقال علائم تجاری در صورتی معتبر است که موافق مقررات قانون به ثبت رسیده باشد که برای تنظیم آن نیز اظهارنامه نیاز است و همچنین تغییر یا گسترش علامت تجاری نیز توسط اظهارنامه است.

انتقال: کارخانه ی تا الان از یک مارکی استفاده می کرده اما الان می خواهد کارش را عوض

کرده و مارکش را به یکی انتقال دهد که معمولا این انتقال مارک با دریافت هزینه های بالا به

سود شرکت یا کارخانه صورت می گیرد

تغییر یا گسترش تغییر دهد مثلا مارکش را می خواهد عوض کند و گسترش دهد مثلا اگر تا

الان فقط روی شامپوون مارکش را می زد اما از این به بعد روی صابون یا پودری که تولید می

کند هم می زند و برای موارد ذکر شده باید فرم اظهار نامه گرفته و تغییرات را ثبت کند

نکته: مجازات کسی که علامت تجاری را جعل یا با علم به جعل استفاده نماید تا ۷۴ ضربه

شلاق و بعضا تا ۳ سال حبس در پی دارد ضمن اینکه باید خسارات وارده به دیگری را نیز

جبران نماید (حداکثر مجازات است)

تعریف شرکت:

تعاریفی از سوی ۱- قانون مدنی ۲- قانون تجارت ۳- شرکتهای تجاری ارائه شده است اما

تعریف شرت از نظر قانون مدنی عبارتند از: ماده ۵۷۱ قانون مدنی می گوید شرکت عبارتست

از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شی واحد به نحو اشاعه

مالکین متعدد: شرکت وقتی است که مالکین متعدد باشند و حداقل ۲ نفر

در شی واحد: یعنی دو نفر یا مالکین در یک چیز واحد مالک باشند

اشاعه: مشاع . اگر طرفین با هم زمینی خریدند به نحو مشاع باشد اما گاهی آن را تقسیم می

کنند که به آن افراز گویند و این نقطه مقابل مشاع است و اگر افراز صورت نگیرد و مشاع باشد

طرفین در تمام اجزای آن به نسبت با هم شریک هستند و اما شرکت در یک تقسیم بندی دیگر

شرکت:

اختیاری: طرفین با هم قرارداد می گذارند که یک زمین را با هم بخرند

اضطراری : اختیاری نیست یعنی طرفین اراده به این که با هم شریک بشوند نداشته اند و به

صورت اضطراری شریک شده اند مثلا در صورت فوت یا سرقت بوجود می آید.

مثال: اگر پدر خانواده فوت کرد تمام اموال به همه وراث می رسد و هیچ یک از وارثین حق

فروش ندارد تا اینکه تقسیم کنند. به عبارتی قبل از تقسیم همه شریکند اما شریکی که به اراده

خودشان نبوده است.

نکته: عقد شرکت : قراردادی که به موجب آن شرکاء متعددی ، متعهد می شوند چیزی را در

شرکت گذارد و منافع آن را تقسیم نمایند به عبارتی قصد انتفاع وجود دارد ولو اینکه گاهی

ممکن است به ضرر بانجامد.

ایقاع: عملی که رضایت یک طرف کافی است مانند طلاق

عقد: توافقی که توافق حداقل ۲ نفر در آن است و می تواند متنوع باشد مثلا اگر در غالب خرید

و فروش باشد

عقد بیع : اگر در غالب اجاره باشد عقد اجاره و اگر ازدواج باشد عقد نکاح

شرکت: تجاری - مدنی

تعریف شرکت تجاری از نظر قانون تجارت

شرکتی است که برای امور تجاری تشکیل شده است و دارای شخصیت حقوقی است که وابسته

به شرکاء نمی باشد. همچنین شرکت تجاری باید از دفاتر تجاری استفاده نماید و در صورت

عدم قدرت به پرداخت دیون حکم به ورشکستگی آن صادر می شود (به خلاف شرکت مدنی

که حکم به اعسار داده می شود)

از آنجا که این شرکت جزء شرکتهای اختیاری است لذا شرایط صحت مانند قصد (از روی

اراده باشد)، رضا اهلیت (صغیر، جنون) و معین بودن موضوع شرکت به علاوه مشروعیت

(از نظر شرعی) جهت در آن لازم می باشد. همچنین این شرکت دارای ارکان مدیریتی از قبیل

هیئت مدیره، مدیر عامل می باشد و بدهکاری ها و طلبکاری های شرکت به شرکاء ارتباط

ندارد.

شخصیت:

حقیقی: افراد و انسان ها و اعضای جامعه وجود حقیقی دارند که می توانند دارای حقوق و

تکالیف باشند

حقوقی: جدای از افراد هستند و یک هیئت که دارای یک شخصیت حقوقی و جدای از

شرکایش است مثلا دانشگاه آزاد دارای یک شخصیت حقوقی است که جدای از افرادی است

که در آن مشغول فعالیت هستند یعنی نام دانشگاه آزاد خودش یک شخصیت حقوقی است

شخصیت حقوقی می تواند تمام شرایطی را که یک فرد حقیقی دارد دارا باشد از قبیل اهلیت و

صلاحیت داشتن یا دارا شدن حقوق و اختیارات و قبول تعهدات و وظایف بعلاوه اجرا و اعمال

آنها از طرف اشخاص حقوقی به عبارتی شخصیت حقوقی تمام امور مربوط به شخصیت

حقیقی را دارا می باشد جز آنهایی که استناد است مثل حق ابرت یا بلدت یا مثلا اگر مدیر

دانشگاه آزاد تخلفی کند نمی گویند خوب دانشگاه آزاد را مثلا ببرید حبس بلکه می گویند مدیر

دانشگاه را حبس ببرید یا مثلا اگر دانشگاه آزاد بدهی دارد نمی آیند بدهی را از آقای مدیر

بگیرند.

نکته: دفاتر تجارتي مربوط به شرکت های تجاری هستند نه مدنی

نقطه اشتراک اعسار و ورشکستگی: در هر دو بدهی بیشتر از طلبکاری است

نقطه افتراق: اعسار مربوط به شرکت مدنی است و ورشکستگی مربوط به شرکت تجاری

بدهکاری مدنی یعنی شریک مدنی نتواند دیون خود را بپردازد

اعسار (در مورد شرکت های مدنی است) و ورشکستگی در مورد شرکت های تجاری

قوانین راجع به ورشکستگی سخت تر از قوانین راجع به اعسار است و در اعسار نسبت به

بدهکار تخفیف قائل می شوند مثلا در اعسار اگر طبکار برود و از بدهکار شکایت کند به

طلبکار می گویند آیا بدهکار اموالی دارد یا نه اگر ندارد برو وقتی مالی داشت بیا به ما معرفی

کن تا اموال را از آن بگیریم.

قبلا گفتیم شرکت یا اختیاری یا اضطراری است، شرکت تجاری از نوع شرکتهای اختیاری است

و باید شرایط صحت آن مشخص شود که قانون مدنی مشخص می کند اما شرکت اضطراری

لازم نیست که شرایط صحت را داشته باشد و شرایط صحت ۱- قصد(نائم یا خواب نباشد) ۲-

رضا(اکراه نداشته باشد) ۳-اهلیت(صغیر و مجنون نباشد) ۴- معین بودن(کار شرکت مشخص

باشد) ۵-مشروع بودن(در کار موادمخدر و مشروبات نباشد)

جلسه ششم ۸۵/۸/۸

شخص: حقیقی ، حقوقی

شخص حقیقی: ۱- اقامتگاه (محلّی که فرد در آن زندگی می کند) ۲- تابعیت (تعلق فرد به یک حاکمیت خاص را تابعیت فرد گویند و ملاک های آن خون یا خاک است.

شخص حقوقی: ۱- اقامتگاه (در قبل توضیح داده شد) ۲- تابعیت (تابعیت شخص حقیقی می

تواند با تابعیت شخص حقوقی فرق کند)

مثلا سه شخص حقیقی می خواهند با هم شریک شوند که شخص اول فرانسوی دومی انگلیسی

و سومی پاکستانی است که تابعیت های متفاوتی دارند اما تابعیت شخص حقوقی شرکت فقط

در آن جایی است که شرکت در آن جا قرار دارد (در مورد شرکت ها تابعیت جایی است که

شرکت در آن قرار دارد)

تابعیت شخص حقوقی : شخص حقوقی تابعیت مملکتی را دارد که اقامتگاه آن در آن جا واقع

شده است. ولو اینکه با تابعیت شرکاء (انگلیسی ، فرانسوی ، پاکستانی) متفاوت باشد.

شرکت های تجاری:

طبقه بندی شرکت های تجاری :

قانون تجارت شرکتهای تجاری را بر ۷ قسم کرده که این هفت مورد در این ۳ مورد ذیل

گنجانده شده است

۱- شرکت سرمایه: هدف اصلی این شرکت ها سرمایه است مثل سهامی

۲- شرکت های شخصی: محوریت این شرکت ها شخص است و هر شخص را نمی پذیرند با

مورد اعتماد باشد مثل تضامنی

۳- شرکت های مختلط: در این نوع شرکت ها هم شخص مهم است هم سرمایه

اولین شرکت مورد بحث از شرکت ها، شرکت سهامی است (توضیح ماده ۱ و ماده ۲ و

با اضافه ی توضیحات لازم)

شرکت سهامی: شرکتی است که با رعایت مقررات قانون مدنی راجع به شرایط صحت

قراردادها و قواعد اختصاصی ق.ت و ثبت شرکت ها و توافق بین شرکاء برای امور انتفاعی اعم

از تجاری ی غیرتجاری تشکیل و سرمایه آنها به سهام متساوی القیمه تقسیم شده است و

مسئولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی سهام و سود حاصله آنها می باشد. (برای

مطالعه ماده ۱ و ۲ به صفحه ۲۳ قانون تجارت مراجعه

یک شرکت سهامی می بایستی ۱- رعایت مقررات ق.م (قصد، رضا، معین، مشروعیت) ۲-

قواعد اختصاصی ق.ت و ثبت شرکتها ۳- توافق بین شرکاء مثلا شرکاء مثلا توافق می کنند با

سرمایه مشخص و تقسیم سود به این نحو یک شرکت راه اندازی کنند ۴- برای امور انتفاعی:

هدف شرکت های سهامی سود است حالا چه تجاری باشد یا غیرتجاری(زمین)، معاملات

غیرمنقول به هیچ وجه تجاری محسوب نیم شوند مگر برای شرکت های سهامی مثلا اگر

شرکت تضامنی کارش را خرید و فروش زمین قرار دهد این جزء شرکت تجاری نمی باشد.

ماده ۱. شرکاء در قبال شرکت مسئولیت دارند. در شرکت های سهامی مسئولیت فرد به مقدار

سهم آن و سود آن در برابر بدهی ها می باشد.

فرق شرکت های سهامی خاص و عام:

شرکت سهامی عام:

۱- در تأمین سرمایه (ماده ۴): سرمایه از طریق مشارکت مردم تأمین می شود و بصورت پذیره

نویسی و اعلامیه بر مردم اعلام می شود.

۲- حداقل شرکاء (ماده ۱۰۷): حداقل ۵ نفر باید باشند و از این کمتر نباشد

۳- میزان سرمایه (ماده ۵): حداقل ۵ میلیون ریال (۵۰۰.۰۰۰ ریال)

۴- حق ارائه سهام در بورس: می تواند سهام را در بورس ارائه بدهد.

شرکت سهامی خاص:

۱- در تأمین سرمایه (ماده ۴): سرمایه بر عهده ی شرکاء می باشد.

۲- حداقل شرکاء (ماده ۳): حداقل ۳ نفر باید باشند و از این کمتر نباشد

۳- میزان سرمایه (ماده ۵): حداقل ۱ میلیون ریال (۱۰۰۰.۰۰۰ ریال)

۴- حق ارائه سهام در بورس نمی تواند سهام را در بورس ارائه دهد مگر با پذیرفتن مقررات

ماده ۵: گفتیم در موقع تأسیس، سرمایه شرکت های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه

شرکت های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد اگر سرمایه تقلیل یابد چه باید

کرد؟ مثلاً اگر شرکت ما عام بود به اینگونه:

ابتدا یک سال فرصت داده می شود تا میزان را به حد ممکن و مشخص برسانند و در

غیراینصورت به ایشان پیشنهاد می دهند که نام شرکت تان را عوض کنید و ان را مثلا شرکت

سهامی خاص قرار دهید در غیراینصورت حکم بر انحلال آن صادر می شود و توضیحات در

ذیل ماده ۵ کتاب گفته شده است.

تشکیل شرکت های سهامی عام از ماده ۶ آغاز می شود

(ماده ۶) فرض شود تشکیل شرکت سهامی عام با مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال، که ۲۰ درصد آن را

خود موسسین تعهد کرد و ۳۵ درصد آن که ۷۰ میلیون تومان می باشد پرداخت شده می باشد

که ۳۵ درصد پرداختی بایستی حتما وجه نقد باشد اما آن ۶۵ درصد باقیمانده می تواند باغ،

خانه و غیره باشد که ارزش آن را کارشناس رسمی قیمت گذاری می کند.

و علاوه بر این تعهدات بالا ۳ مدرک را نیز باید ارائه دهند: ۱- اظهارنامه (ماده ۷) از ۱ تا ۸ مورد

مذکور شده ۲- اساس نامه (ماده ۸) از ۱ تا ۲۱ مورد ذکر شده ۳- اعلامیه پذیره نویسی (ماده

۹) از ۱ تا ۵ امور که به امضاء موسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت ها و در

شهرستان ها به دایره ثبت شرکت ها و در تقاطعی که دایره ثبت شرکت ها وجود ندارد به اداره

ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

موسسین اولین کسانی هستند که می خواهند شرکت را تأسیس کنند و بعد از آن از طریق

مشارکت مردم به کار ادامه دهند تبصره و در مواردی تعهد به صورت غیرنقدی بود باید عین آن

.....(مراجعه به کتاب صفحه ۲۵)

ماده ۷، ۸ و ۹ حذف شده است.

(ماده ۱۰): مرجع ثبت شرکت ها پس از مطالعه اظهارنامه و ضمانت آن و تطبیق مندرجات آنها با

قانون، اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر خواهد نمود.

پذیره نویسی: عملی حقوقی است که به موجب آن فرد تعهد می کند مقداری از سرمایه شرکت

را تأمین و در شرکت سهامی شریک شود مثلاً شرکت احیاء خراسان آمد اعلامیه داد یک برگه

هست به نامه تعهد سهم (و برگه ای که فرد تعهد می کند به عنوان شریک، وارد شرکت شود و

سرمایه گذاری کند) که در آن میزان سهم ذکر شده مثلاً ۱۰۰ سهم و هر سهم ۱۰۰۰ تومان از

این مبلغ که فردی تا سهم می خرد باید ۳۵ درصدش را بپردازد و مابقیه ۳۵ درصد را زمانی که

شرکت مطالبه کند باید بپردازد که حداکثر تا ۵ سال مطالبه می شود.

(ماده ۱۱): اعلامیه پذیره نویسی باید توسط موسسین در جراید (بند ۱۴ ماده ۹) آگهی گردیده و

مواد کامل شود... به کتاب مراجعه شود.

(ماده ۱۲): ظرف مهلتی که در اعلامیه مواد کامل شود..... و مبلغی (حداقل ۳۵٪ باشد)

نقدا پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد.

(ماده ۱۳): ورقه متعهد سهم باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ۱- به کتاب مراجعه شود

صفحه ۲۹ و ۳۰

(ماده ۱۵): امضاء ورقه تعهد هر سهم به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و

تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهم می باشد.

اگر شما تعهد سهم را امضاء کنید این به معنی پذیرفتن اساسنامه است حتی اگر شما از اساسنامه

اطلاع نداشته باشید لذا اگر برای خروج از شرکت قوانین خاصی ذکر شده باشد رعایت آنها

ضروری است .

(ماده ۱۶): پس از گذشت مهلتی که برای پذیره نویسی ... به متن کتاب مراجعه اما موسسین

حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی می کنند منظور اینکه ۱- آیا به اندازه

سرمایه، برگه تعهد فروخته شده یا نه و به آن حد رسیده یا نه

۳- آیا ۳۵ درصد که پذیره نویسان می بایستی نقدا پرداخت کنند پرداخت شده یا نه

پذیره نویسی ممکن است چند حالت داشته باشد:

بیشتر از مبلغ ۲ راه وجود دارد: ۱- قرعه کشی مثلاً به ۲۰ نفر اول فقط سهم داده می شود ۲-

تقسیم سهام به مقدار افرادی که پذیره نویسی کرده اند

کمتر از مبلغ : میزان سرمایه را کاهش می دهند با تصویت مجمع عمومی موسسین با مراجعه به

دفتر ثبت شرکت ها

اقامتگاه شخص حقوقی:

هردوی شخصیت ها یعنی حقیقی و هم حقوقی باید اقامتگاه داشته باشند در بیان محل اقامتگاه

برای شخص حقوقی قانون تجارت و قانون مدنی اختلاف و تعارض دارند.

شخصیت :

حقیقی: اقامتگاه شخص حقیقی محل زندگی او است.

حقوقی: ۱- ماده ۵۹۰ قانون تجارت: اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص

حقوقی در آنجا است یعنی دفتر مرکزی ۲- ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی: محلی که مرکز عملیات آنها

خواهد بود

گاهی اوقات دفتر مرکزی و مرکز عملیات در یک محل است و اما دیگر این است که محل

دفتر مرکزی و مرکز عملیات در دو مکان قرار دارد مثلا دفتر اداری در نیشابور قرار دارد ولی

مرکز عملیات در جاده مشهد است و مسئله این جاست که همه ارجا و همه مراسلات و

مکاتبات به اقامتگاه ارسال می شود حال در اینجا کدام محل اقامتگاه است؟

راه حل: از نظر حقوقی هرگاه بین دو ماده تعارض باشد اولویت با ماده مآخر است و در اینجا

اولویت با ق. م می شود اما بعضی می گویند این دو ماده اصلا تعارضی ندارند و منظور از

مرکز عملیات همان اداره است.

اقامتگاه شخص حقوقی:

همانطور که شخص حقیقی دارای اقامتگاه است شخص حقوقی نیز اقامتگاه دارد که در ماده

۵۹۰ ق.ت و ۱۰۰۲ ق.م ذکر شده است. و از آنجا که بعضا محل اداره و مرکز عملیات با یکدیگر

فرق دارد لذا حقوق دانان در تشخیص اقامتگاه شخص حقوقی نظرات متفاوتی دارند.

عده ای قائل بین این هستند که ماده ۲ تعارض دارد و باید قانون مآخر (مدنی) اعمال شود در

مقابل عده ای دیگر با توجیهی که از کلمه مرکز عملیات دارند قائل هستند که بین ۲ ماده

تعارضی نیست چون مراد از این عبارت همان محل اداره است.